



گرب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۰ آبان ۱۳۹۰

۱۱ نوامبر ۲۰۱۱

حزب حکمتیست

هشدار

علیه فضای جنگی

پس از "کشف" نقشه ترور سفیر عربستان توسط آمریکا و تهدید به تشدید محاصره اقتصادی به بهانه مبارزه با تروریسم و دفاع از حقوق بشر در ایران، امروز گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی، که ظاهراً نشان میدهد ایران به تولید بمب اتمی نزدیک شده است، بهانه ای برای تهدیدات نظامی اسرائیل و آمریکا، علیه ایران بوجود آورد. اسرائیل و آمریکا اعلام کرده اند برای مبارزه با خطر مسلح شدن ایران به سلاح هسته ای و برای ممانعت از خطر حمله ایران به اسرائیل، و برای جلوگیری از به آتش کشیده شدن منطقه، یکبار دیگر گزینه نظامی و حمله به تاسیسات اتمی ایران را در دستور گذاشتند.

بار دیگر تهدیدات نظامی و فضای جنگی دال بر احتمال حمله نظامی، بر سر جامعه ایران سایه انداخته است. علاوه بر تحریم های اقتصادی و تشدید آن، که تا کنون دود آن به چشم مردم ایران رفته است و به بهانه ای در دست جمهوری اسلامی برای تعرض گسترده تر به سفره مردم و تشدید تورم و گرانی و گرسنگی تبدیل شده است، امروز دولت اسرائیل "گزینه جنگ" را پیش کشیده است.

"خطر ایران اتمی" قرار است دولتهای آمریکا و اسرائیل را، که هر یک با مشکلات و معضلات عدیده

صفحه ۲

اطلاعیه فرماندهی گارد آزادی در کردستان

عملیات سیاسی - تبلیغی واحد "نسیم" گارد آزادی در سنندج



یاری میکردند. در این عملیات که با ابتکار و هوشیاری واحد "نسیم" طراحی و سازماندهی شده بود، بخش وسیعی از مسیرهای انتهایی خیابان اکباتان، محله کانی کوزله، عباس آباد و تپه خه جی، کوچه های شهرپور، فروردین، آبان، خرداد و محوطه مسجد کانی کوزله زیر پوشش تبلیغات گارد آزادی قرار گرفت.

آزادخواهان سنندج که همواره در کشمکش با حکومت جنایتکار اسلامی و همچنین با جریانات ارتجاعی اسلامی-سنی و دارو دسته های ضد مردمی درگیر هستند با شنیدن حضور نیروئی که علیه کلیه این دارو دسته های ضد آزادی و ضد زن مبارزه میکند و برای دفاع از امنیت و آزادیهای جامعه و طبقه کارگر به میدان آمده است عمیقاً ابراز صفحه ۲

همچنان که در اطلاعیه خبری دیروز به اطلاع رساندیم واحد "نسیم گارد آزادی" بعداز ظهر روز ۱۲ آبان ساعت ۸ ونیم عملیات سیاسی - تبلیغی گسترده ای را در شهر سنندج شروع کردند و بعداز حضور در چند خیابان و محله آن شهر و استقبال وسیع مردم با موفقیت به حضور و عملیات علنی خود پایان دادند. واحد نسیم گارد طبق نقشه و برنامه دقیق

مصطفی رشیدی



نشخوار بی پایان قانون کار در ایران

تفرج سیاستمداران حاکم بر ایران بدور قانون کار ظاهراً نقطه پایان ندارد. سرنوشت قانون کار در ایران داستان پاس دادن فارغ البال پیشنویسها از این دست به آن دست، حواله کردن از این ارگان به ارگان دیگر است. پیش نویس کذایی هر از چندگاهی سر از ارگانهای مختلف در میآورد، و به سباق سابق هنوز به جایی نرسیده به کشوی نهاد بغل دستی سپرده میشود. در دور قبلی، اله کلنگ میان مجلس و شورای نگهبان شش سال طول انجامید تا قانون کار فعلی رسمیت پیدا کند. قائم مویشک بازی دولت احمدی نژاد در عرض شش سال تنها به چهارمین پیش نویس خود رسیده است. این پیش نویس با مخالفتهای اولیه در میان زیر مجموعه های خود رژیم حتی نتوانست تا مجلس هم برسد. کسی نمیداند مابقی بازی چگونه خواهد بود.

جمال کمانگر



"شاهزاده" در حسرت دخالت نظامی

سرنوشتی قذافی بدست ائتلاف ناتو و کشورهای عربی فرصتی بدست داده است که اپوزیسیون پرو غرب جان تازه ای بگیرند. در سرکوبگری قذافی و خامنه ای شکی نیست. اما نحوه از میان برداشتن دیکتاتورها خود محل مناقشه و اختلاف نظر شدید است. برای اپوزیسیون پرو غرب و شخص "شاهزاده" دست بدست شدن قدرت از بالای سر مردم نه تنها آروز بلکه استراتژی آنها برای سالم تحویل گرفتن ماشین دولتی موجود است.

میشود پرسید چگونه توانسته اند یک جامعه با دهها میلیون کارگر را در طول همه این سالها در چهارچوب این مناسبات سر پا و در حال گردش نگه دارند؟ جواب این سوال سر راست است. ایدای معمایی در کار نیست. قانون کار برای بکار کشیدن طبقه کارگر لازم است. اما سرمایه دار و کارفرما و مدیر و دولت حاکم بر ایران از وجود رسمی چنین قانونی بی نیاز بوده اند. در طول سه دهه استخوان چند نسل کارگر را خرد کرده اند در همان زمان قانون کار در کردیورها و کشوها سرگردان و "نامعلوم" بوده است! سواد خواندن و نوشتن ابتدایی کفایت میکند تا سخیف ترین حملات پیش نویس آخر قانون کار را تشخیص داد. اصلاحیه های متن جدید اساساً شامل بندهای مشعشعی است که متن تا مغز استخوان ضد کارگری همان قانون فعلاً موجود را به اوج خود برساند. واقعاً نبوغ میخواید که در چند جمله بتوان اینگونه محرومیت مطلق کارگر از هرگونه حقی در حفظ شغل و در زمینه دستمزد خویش را فرموله کرد. محتوای بغایت غلیظ ضد کارگری قانون کار را همه و بیش از هر

به همین دلیل است که در هر دوره ای استراتژی خود را با تحولات سیاسی در ایران منطبق میکنند. جالب است همه این

پشتک وارو زدن ها بنام "مردم" و دفاع از منافع آنها صورت میگیرد. اخیراً رضا پهلوی "پیش نویس نامه به روسای کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد" را منتشر کرده است که جا دارد مورد نقد قرار گیرد و سناریویی که در آن مستتر است برملا شود. تا مردم و طبقه کارگر با چشم باز دوستان و دشمنان خود را بازشناسند! ظاهراً موضوع نامه درخواست آزادی زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی است! تا اینجا با پیش نویس نامه مذکور مشکلی نیست اما به نظر من جوهر کلام "شاهزاده" در بند هفت این پیش نویس مستتر است و باید

صفحه ۴

پیام فرماندهی گارد آزادی در کردستان به واحد "نسیم" گارد آزادی و مردم کردستان

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

هشدار علیه فضای....

داخلی و بین المللی روبرواند، از بن بست بیرون آورد. قرار است خطر "ایران اتمی و خطرناک"، فرصت و امکانی برای بورژوازی غرب به رهبری آمریکا فراهم کند، تا برای خروج از بن بست اقتصادی و سیاسی و برای تخفیف فشارهای داخلی در کشورهای غربی و اسرائیل، راه برون رفتی بیابند.

در دنیای واقعی اما نه تحریم علیه ایران و نه تهدیدات نظامی و نقشه حمله به ایران، ربطی به مبارزه با تروریسم و "امنیت جهانی" ندارد. نه "شورای امنیت" حافظ "امنیت" جهان است و نه آژانس بین المللی اتمی "بیطرف" و مسئول تحقیقاتی "بیطرفانه"! هر دو این نهادها، ابزارهای مستقیم دول غربی، و وسائل اعمال قلدری نظامی آنها بر جهان اند. یک مشت دولت تا دندان مسلح، با در اختیار داشتن بزرگترین تسلیحات اتمی جهان، و در راس آن دولت آمریکا با قلدری خود را صاحب اختیار جهان گمارده اند! این مقامات جنایتکار خودگمارده جهان، برای صدور مجوز داشتن سلاح اتمی برای رقیب و برای پذیرفتن سایر دول مرتجع و "نافرمانبردار" به کلوب خود، هر روز گوشه ای از جهان را به جنگ و نابودی تهدید میکنند. جان میلیونها نفر را در آفریقا و آسیا و خاورمیانه "گرو" میگیرند، و آن را دستمایه و بازیچه تسویه حسابهای خونین خود با رقیب و با دولتهای مرتجع محلی میکنند. و امروز برای تخفیف ابعاد بحران عظیم اقتصادی و سیاسی خود، برای سرپوش گذاشتن بر تناقضات نظام ضدبشری سرمایه، و برای احیا مقام قدرقدرتی خود، بیش از هر زمانی میلیتاریسم را سیاست "رهایی بخش" خود کرده اند.

تهدیدات نظامی اسرائیل و آمریکا، هشدار به طبقه کارگر و مردم ایران و همه نیروهای اپوزیسیون مخالف جنگ است که برای ممانعت از آن تلاش کنند. طبقه کارگر و جنبش کمونیستی باید همه قدرت خود را برای ممانعت از این فاجعه به میدان آورند.

کارگران! مردم!

قدرت های امپریالیستی، و در راس آن دولتهای آمریکا و اسرائیل، به بهانه مساله اتمی جمهوری اسلامی، موج جدیدی از تبلیغات و تهدید نظامی علیه شما را آغاز کرده اند.

بورژوازی غرب با استفاده از سناریو لیبی، به وسوسه افتاده است که شانس خود در ایران را امتحان کند، تا به این ترتیب موقعیت خود در خاورمیانه و در جهان را بهبود بخشد. شانس که در مقابل آمل و ارزوهای میلیونها نفر از مردمی است که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سی سال است سرکوب میشوند. شانس که قرار است به قیمت تخریب، خانه خرابی و قربانی شدن مردم ایران، میدان برای تحركات انواع دستجات قومی و مذهبی و باند سیاهی، باز شود. در این میان امیدشان به تحمیل مردم منتفر از جمهوری اسلامی و حمایت بی دریغ ناسیونالیستها و فدرالیستها و قوم پرستانی است که سالهاست در انتظار چنین سناریویی کمین کرده اند.

وسوسه دخالت و حمله نظامی به هر بهانه ای محکوم و مردود است. طبقه کارگر ایران، تشکلهای کارگری و رهبران و فعالین کارگران، زنان و جوانان و اقشار اجتماعی دیگر، باید آگاهانه، مصمم و فعالانه در مقابل این سیاست ضد بشری قد علم کنند. و با قطعنامه ها و بیانیه ها و در جمعاعات کارگری و توده ای در محل های کار و زندگی، علیه این سناریوی سیاه بایستند. بورژوازی افسار گسیخته بین المللی باید پیام شما را بشنود. مهار این قلدری و زورگویی و لشکرکشی ها تنها در دستان شما است. کار و زندگی و شهر و مسکن ما، نباید بازیچه دست رقابت نیروهای ارتجاعی شود. طبقه کارگر در عین حال به هیئت حاکمه ایران نباید اجازه دهد تحت نام مبارزه با "استکبار جهانی"، مردم و طبقه کارگر را مورد تعرض قرار دهد، فقر و اختناق بیشتری به بهانه فضای میلیتاریستی موجود، را تحمیل کند.

دشمنان رنگارنگ شما در لباس دوستدار مردم، تلاش مذبحخانه ای خواهند کرد تا صف مستقل کارگران و مردم آزادیخواه علیه تهدیدات نظامی را، با مخالفت های جمهوری اسلامی "همسو" نشان دهند! تلاش خواهند کرد

که علیه مخالفین میلیتاریسم غرب، تبلیغات کثیف و ریاکارانه در جهت کمک به دخالت نظامی براه اندازند. این تبلیغات که خود بخشی از ماشین جنگی و پروپاگاندا سیاسی ناتو و غرب است، را باید افشا کرد.

هر نوع حمایت از میلیتاریسم دول آمریکا و اسرائیل، هر نوع حمایت از جمهوری اسلامی به بهانه خطر دشمن خارجی، به هر بهانه ای که صورت بگیرد، شریک شدن در پروژه جنایتکارانه نیروهای بورژوازی علیه طبقه کارگر و علیه مردم ایران است و باید محکوم شود. هر تیری که از طرف ارتجاع و دولتهای خارجی به ایران شلیک شود، در خدمت بقا جمهوری اسلامی و علیه مردم ایران است. این جنگ بر طول عمر جمهوری اسلامی می افزاید. این پروژه تنها در شرایط تسلیم، انتظار، و خودفروبی نسبت به "عواقب مثبت" آن، میتواند به اجرا در آید. برای جلوگیری از جنگ نیروهای ارتجاعی باید به میدان آمد.

حمله آمریکا یا اسرائیل میدان گسترده ای برای تحرك جریانات ارتجاعی از بسیج و جریانات دیگر مسلح اسلامی تا دارودسته های قومی و گانگسترهای سیاسی را باز خواهد کرد. عواقب این پروژه جنایتکارانه، جنگی است که علنا می خواهد تقابل مردم با رژیم ایران برای حق کارگر، حق زن، حق کودک و دانشجو و معلم و برای آزادی و برابری همه شهروندان را به حاشیه براند. و با سرمایه گذاری بر کثیف ترین جریانات قوم پرست و فاشیست و هویت تراشی ارتجاعی قومی و مذهبی، مردم را به نام "آزادی" و "فارس" و "کرد" و "عرب" به جان هم بیندازد. و این را نه فقط در آذربایجان و کردستان و خوزستان که در محلات و کارخانه های تهران و اصفهان و مشهد انجام دهد.

از نظر طبقه کارگر آگاه و کمونیستها تحریم اقتصادی و ایجاد فضای جنگی و جنگ احتمالی قاطعانه محکوم است. مبتکران و حامیان این سیاستهای ضد انسانی از آمریکا و کشورهای غربی تا اپوزیسیون چپ و راست بورژوازی باید افساء و منزوی شوند. در همان حال نباید به جمهوری اسلامی و جناحهای آن مجال داد که با این حربه، فقر و

فلاکت و اختناق و سرکوب بیشتر بر جامعه تحمیل و توهامات به راه حل جناح بورژوازی سبز را باز تولید کنند. صف متحد و متشکل و آگاه طبقه کارگر و مردم محروم میتواند و باید در مقابل فقر و فلاکت تحمیلی و سرکوب و اختناق قد علم کند و کلیت جمهوری اسلامی را با نیروی مبارزه خود به زیر بگشد.

مردم!

هر نوع خوش بینی به پروژه های تغییر رژیم توسط آمریکا و اسرائیل، هر نوع حمایت از جمهوری اسلامی تحت نام خطر دشمن خارجی، علیه شما و منافع شما، علیه امنیت و زندگی و آینده شما است و باید محکوم شود.

باید در مقابل میلیتاریزه کردن فضای جامعه، علیه تحمیل اختناق اسلامی و نظامی در کارخانه و مدرسه و دانشگاه و محل کار و زندگی، علیه حمله بیشتر به سطح معیشت مردم به بهانه جنگ ایستاد. باید دفاع از امنیت، معیشت و زندگی را سازمان داد. باید در محلهای کار و زندگی متحد شد و کنترل اوضاع زندگی خود را بدست گرفت.

بر پرچم خواسته های مردم، مقدم بر هر چیز آزادی، برابری، شادی، رفاه، لغو استثمار و سرکوب، بهداشت، خلاصی فرهنگی، تعالی فیزیکی و معنوی و محکومیت هر نوع حمله نظامی و تحریم اقتصادی نوشته شده است. و مبارزه برای این حقوق و جنگ در این سنگر، جنگ ما است.

کمیته های محله و کارخانه را ایجاد کنید! واحد های گارد آزادی را بوجود بیاورید! متشکل شوید! مبارزات را به هم وصل کنید! با تشکیل انواع تشکلهای محلی و سراسری، خود را در مقابله با بحران جنگی، آماده و تجهیز کنید. مجمع عمومی مردم محل و کارگران کارخانه را برگزار کنید! اجازه ندهید مشتی اوپایش سیاسی در ایران، اسرائیل و آمریکا آینده ما و فرزندانمان را رقم بزنند.

تنها راهی که وجود دارد، متشکل شدن، متحد و قدرتمند شدن صف مستقل طبقه کارگر و مردم ایران برای عقب راندن ارتجاع اسلامی و خارج کردن زندگی خود از کنترل جمهوری اسلامی است.

شهر سندانج و دیگر مناطق پخش شده و مایه خوشحالی آزادیخواهان و ترس و نگرانی دشمنان مردم و جنبش آزادی و برابری طلبی شده است.

زنده باد واحد نسیم گارد آزادی!
زنده باد آزادیخواهان سندانج!
مرگ بر جمهوری اسلامی!

فرماندهی گارد آزادی در کردستان
سلام زیجی
۱۴ آبان ۱۳۹۰
۲۰۱۱-۱۱-۵

برابری طلبی مردم و با هدف درهم شکستن فضای خفقان توسط جمهوری اسلامی و هشدار و عقب زدن جریانات تندرو اسلامی حائز اهمیت بود.

لازم به ذکر است، پس از اینکه واحد "نسیم گارد آزادی" بعد از انجام عملیات با موفقیت آن محلات را ترک کرده بودند نیروهای گشتی رژیم به سه راه کانی کوزله رفته و تنها در خیابان های اصلی گشت می زدند و جرات نمی کردند تا روز بعد وارد کوچه ها و محله های مسکونی شوند. خبر حضور پرشور گارد آزادی وسیعا در

کانی کوزله و عباس آباد یکی از محلات کارگری و زحمتکش نشین شهر سندانج است که در سالهای اخیر جمهوری اسلامی به جریانات تندرو اسلامی میدان داده است که در آن فعالیت های خویش را گسترش دهند. این جریانات که مشهور به گروه های سلفی و تبلیغ و ترویج اسلامی هستند زنان و دختران را در محل تهدید میکنند که بدون رعایت احکام اسلامی در محلات آمد و رفت نکنند. حضور گارد آزادی در این محلات به منظور تقویت روحیه آزادخواهی و

عملیات سیاسی - تبلیغی واحد....

خوشحالی کرده و از فعالیت های گارد اعلام حمایت میکردند.

واحد "نسیم گارد آزادی" در مسیرهای که حضور علنی و سیاسی تبلیغی پیدا کردند به تعدادی از مرتجعین وابسته به جریان سلفی و مزدوران جمهوری اسلامی که قبلا زنان و جوانان را تهدید کرده بودند، هشدار دادند که دست از انیت و آزار و تهدید مردم بردارند. مردم از این اقدام واحد نسیم گارد آزادی بسیار خوشحال شدند.

نشخوار بی پایان قانون...

طبقه سرمایه دار و حکومتشان در ایران از کجا سرچشمه گرفته است. همین جا باید بخاطر آورد که در طول این سالها جناحهای متنوعی از رژیم از جمله اصلاح طلب و مدرتهای واقع بین بر سر کار آمده اند. آن جامعه تشنه‌های سیاسی مهمی را از سر گذرانده است، لیست کشمکش های بیرونی و درون خانوادگی رژیم از حساب خارج است، دنیای اقتصاد جامعه بارها و بارها پوست انداخته است، جنگ و صلح، محاصره اقتصادی و شکوفایی روابط بین المللی مهر خود را بر روندهای جامعه زده اند... اما در این میان روند پیوسته و تعطیل ناپذیر مناسبات حاکم بر محیط کار، به سود کارفرما و به زیان کارگر از حرکت باز نمانده است. ابواب جمعی حکومت هر کدام سهم خود در تحمیل عملی قانون کار را ادا کرده اند. این قانون کار مشترک کل رژیم و سرمایه داران آن جامعه است. متون قانون و حک و اصلاحات هنوز در مراحل تحقیق و بررسی در دوایر در حال نشخوار است؛ در همان زمان میخ همان قوانین در کارخانه ها کوبیده شده است. ببینید نوبت به کارگر که میرسد چگونه قانون و حداقلی از نظم و حقوق شهروندی و مقولات مشابه، حتی در صورتی ترین شکل آن به کنار گذاشته میشود! واقعیت هم چیزی جز این نیست که "پیشروی" در اجرای قانون کار جز با گرو گرفتن نان شب کارگر و ناامنی مطلق و با سرکوب گسترده و بکارگیری روشهای باند سپاهی ممکن نشده است.

قانون کار به معنای دامنه عملی و رسمی حقوق طبقه کارگر، هسته مرکزی طرح بازسازی اقتصادی جمهوری اسلامی را تشکیل داده است. برای اندازی مراکز تولیدی و برگردش انداختن چرخ اقتصاد بر مبنای سود قطب نمای این طرح است که بقای کل حکومت را بوش میکشد. در خصوصی سازی کارخانجات (بمثابه ستون اصلی بازسازی مد نظر اقتصادی) مساله اصلی نه هويت خریدار، نه کیفیت دستگاهها، نه چگونگی انتقال و یا قیمت واگذاری بلکه سرنوشت کارگران کارخانه است که نقش اصلی را ایفا کرده است. دولت جمهوری اسلامی سرمایه در ایران همه توان و پتانسیل و اعتبار خود را بگرو گذاشته است که تضمین کند کارگران خاموش و مطیع و بیحقوق را کت بسته در اختیار کارفرما قرار خواهد داد. متن قانون کار جدید قرار است بیلان رسمی موفقیت دولت در این میدان باشد.

هر چه هست اما تمرکز و عطف توجه به سرنوشت قانون کار، و بخصوص اصلاحات و پیش نویسیها و متن نهایی قانون کار مستقیما به کارگران و فعالین کارگری ضروری است. قانون کار تصویر گویایی از موقعیت طبقه کارگر

را در آن مقطع زمانی جلوی چشم جامعه قرار میدهد. تصویر امروز یک تصویر ترسناکی است. اصرار حکومت برای باصلاح به روز کردن قانون کار در همین خاصیت نهفته است. قرار است این تصویر را جلوی تک تک کارگران قرار دهند که آنها جای خود را بشناسند و سقف توقعاتشان را بفهمند. قرار است این تصویر در مدارس جلوی کودکان قرار داده شود تا از همین سنین با آینده در راه خو بگیرند. در مقابل این تصویر هولناک باید ایستاد.

تا آنجا که به کارگر، به مفهوم طبقاتی آن، مربوط میشود، قانون کاری که آزادی اعتصاب و آزادی تشکل را برسمیت نشناخته باشد، بنا به تعریف از اعتبار برخوردار نیست. نمیتواند از اعتبار برخوردار باشد. هزار قانون و زیر ضرب هزاران گزمه نمیتواند جلو دار کارگر برای اعتراض او برای دستمزد کافی و زندگی شایسته باشد. ضرب هیچ درجه از سرکوب نمیتواند کارگر را از تنها ابزار موثر خود یعنی اعتصاب و حرکت دست جمعی و مشترک باز بدارد. این دقیقا راهی است که در تمام سالهای گذشته در مقابل دولت و سرمایه در ایران در پیش گرفته شده است. اعتصاب در ایران ممنوع است و روی کاغذ مجازات سختی را بدنبال میآورد. کسی میتواند تصویر دقیق و جامعی از پدیده عظیم کارگران و اعتصابیانشان یعنی مواردی که کارگران به ریش قانون خندیده اند را بدست بدهد؟

قانون کار بخودی خود صد البته مهم است اما درجه و دامنه تاثیر واقعی آن مستقیما در کشمکش روی زمین سفت تعیین میشود. اگر این زاویه را ملاک قضاوت در مورد آن جامعه قرار دهیم، آنوقت بدون تردید واقعیت مهمی جلوی شما قد علم میکند. موج نارضایتی سالهاست که مراکز تولیدی را فرا گرفته است. این بجای خود، همه شواهد گویای تحریک گسترده در میان کارگران پیشرو برای اتحاد بیشتر و مهمتر از آن تشکل یابی طبقه است. این شوق انگیزترین پدیده کل فضای آن جامعه است. هر قدم پیشرفت در این زمینه بنیادهای اساسی حکومت و تمامی سودهای نکبت آنها را مورد هدف قرار میدهد. مقامات و دستگاههای حکومتی میتوانند کماکان به نشخوار متن قانون کار خود ادامه دهند. در نقطه مقابل آن باید صف اتحاد کارگری را تقویت کرد. باید سنگرهای تازه تری را در تشکلهای کارگری شکل داد. اعلام بی اعتباری و زیر پا نهادن قانون کار ساده ترین و از اولین نتایج تحریک حق طلبانه کارگران متحد و آگاه است. اینرا دست اندرکار رژیم بخوبی میدانند.

پیام فرماندهی گارد آزادی در

کردستان

رفقای واحد "نسیم" گارد آزادی!

حضور موثر و جسورانه شما در داخل شهر سنندج در شب ۱۲ آبان ماه و تماس و حضور مستقیم تان با مردم و همچنین هشدار دادن تان به اوباش اسلامی و دشمنان آزادی و زن تجسمی بود از اعتراض و مبارزه بی امان که در عمق جامعه برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی و کلیه دارودسته های ارتجاعی از سر مردم در جریان است. شما در این حرکت بزرگ در آن مناطق حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی را به تمسخر گرفتید. به مبارزان و آزادیخواهان قوت قلب دادید. این عزم و اراده شما، برخاسته از عزم و اراده طبقه کارگر و زنان منتفر از حاکمیت اسلامی و جوانان و جنبش اعتراضی و حق طلبانه ای است که روزمره علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داران در جریان است. این اساس قدرت و تفاوتهای سنت گارد آزادی با سنتهای رایج و رمز پیوند عمیق فعالیتها و ابزار وجود گارد آزادی با منافع و مصالح کارگران و آزادیخواهان است. به همه دست اندرکاران این حرکت بزرگ و پرشور و همه اعضا واحد "نسیم" گارد آزادی در سنندج بخاطر این اقدام مهم و شجاعانه صمیمانه تبریک میگویم و درود میفرستم!

مردم آزادیخواه سنندج!

شهر سنندج، شهر مقاومت و مبارزه انقلابی و یکی از کانونهای پرشور جنبش کمونیستی و کارگری علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داران و علیه کلیه جریانهای خرافی و ارتجاعی اسلامی و قومی شناخته شده است. استقبال و حمایت شما از واحد نسیم گارد آزادی تجسمی از این خصوصیات و واقعیت های مبارزاتی و اجتماعی آزادیخواهان شهر سنندج بود. از استقبال و حمایت بیدریغتان از حضور نیروی انقلابی و آزادیخواه خودتان، گارد آزادی، عمیقا تشکر میکنم و شما را به حمایت و گسترش بیشتر واحدهای گارد آزادی در سنندج فرا میخوانم.

جوانان، آزادیخواهان کردستان!

حضور موفقیت آمیز و مجدد گارد در سنندج و حمایت و استقبال جوانان و آزادیخواهان آن شهر یک بار دیگر زمینه و ظرفیت و نیاز جامعه را به سازمان گارد آزادی نشان داد. این در شرایطی به وقوع پیوسته که جنبش ما و آزادی و مدنیت جامعه از هر سو مورد تعرض وحشیانه قرار دارد و هم اکنون با مخاطرات جدیتری روبرو شده است. علاوه بر جمهوری اسلامی که در اشکال متعدد در صدد سرکوب و

فریب و تحمیل و رواج دادن خرافه گری بوده و هست، جریانهای ضد مردمی دیگری نیز در سایه شوم این حکومت جنایتکار عروج کرده اند که به مراتب از خود جمهوری اسلامی وحشی تر و ضد تمدن و ضد آزادی ترند. فعالیت مرتجعین سلفی و القاعده و دیگر جریانهای اسلامی بخشی از عروج آن ویروس اند که با قطعیت باید پستان زد و دستشان را از سر جامعه و زنان کوتاه کرد.

همچنین بدنبال رویدادهای لیبی و سوریه و تهدیدات جنگی اخیر اسرائیل و آمریکا و غرب علیه ایران، درصاف اپوزسیون از جمله اپوزسیون بورژوا-ناسیونالیست کرد، امید به سیاست و پرچم دخالت نظامی غرب و ناتو بسته شده است و میخواند بمثابه بخشی از ارتش و نیروی سرکوبگر و آدمکش آمریکا و ناتو نقش ایفا کنند و این نقش ضد انقلابی را راهی برای به قدرت رسیدنشان ارزیابی میکنند. نیروی که به این سیاست ضد انسانی امید بسته و اگر هم فردا "پیروز" شود به عنوان "قهرمانان" مسلح بر اریکه قدرت می نشینند و اولین کارش سرکوب و از دور خارج کردن همان مردمی است که تا کنون بدست جمهوری اسلامی سرکوب و از همه حقوق و آزادیها و حرمت انسانی محروم گردیده اند. این روند پر مخاطره، سناریو سپاهی، خونین، جنایتکارانه و ضد تلاش و مبارزه تا کنونی خود مردم آزادیخواه کردستان است علیه استبداد و جنایت هولناک تاکنونی جمهوری اسلامی ایران. در تقابل با مبارزه و دخالت مستقیم جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. از هم اکنون باید جلو این روند و سناریو ایستاد.

تلاش برای ممانعت از وقوع چنین سناریوی و مبارزه برای تامین اتحاد و همبستگی اجتماعی علیه آن بخش مهمی از اهداف گارد آزادی را تشکیل میدهد. با پیوستن به این تلاش مسئولانه به اتحاد و قدرت مبارزاتی و تداوم مبارزه انقلابی جاری خود و همچنین صف بندی علیه مخاطرات پیشا رو کمک مهمی خواهید کرد. با سازمان دادن وسیعتر واحدهای گارد آزادی در همه شهرها و مراکز و محلات نه تنها سنگر محکم و بزرگ و قدرتمندی در قبال مخاطرات ضد آزادیخواهانه ایجاد میکنیم بلکه از هم اکنون میتوانیم قدرت مبارزاتی خود را در برابر حاکمیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی و پس زدن نیروهای مزدور و ضد مردمی و ضد زن و ضد کارگری را به مراتب ارتقا دهیم و اتحاد و همبستگی اجتماعی گسترده تری را تامین کنیم.

جوانان و آزادیخواهان جامعه کردستان را فرامیخوانم برای دفاع از امنیت و آزادیهای خود و جامعه و به منظور مقابله با سیاست و روندی

"شاهزاده" در حسرت

میدانند که این بازوی تصمیم گیری قدرت های بزرگ، ظرف ده سال اخیر چند جنگ منطقه ای را در پرونده اش دارد. یک نکته را هم باید تاکید کنم که صرف نامه نوشتن نه تنها اشکالی ندارد، که میتواند نشان "حمایت قلبی" نویسنده از مردم هم باشد. اما همانطور که اشاره شد، اهداف مستتر در نامه مورد مناقشه است.

رضا پهلوی در مقطعی از جناحهای مختلف جمهوری اسلامی دفاع کرده است. او هشت سال دفاع از خاتمی و امید به اصلاحات را در پرونده خود دارد. در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ علنا از کاندیداتوری موسوی و کروبی حمایت کرد. او هم در کنار چپ و راست اپوزیسیون، منافع خود را در دفاع از بخشی از جمهوری اسلامی بازشناخت، تعارف را کنار گذاشت، و علنا به پیاده نظام این بخش از جمهوری اسلامی در خارج کشور تبدیل شد. رضا پهلوی هم به صفت پیوست که "حماسه ها" در دفاع از جناح مورد غضب قرار گرفته، (سبز) جمهوری اسلامی، از خود نشان داد. امروز حدود سه سال از آن اتفاقات میگذرد و تغییرات مهمی هم در جهان بوقوع پیوسته است.

در سطح جهانی، بحران اقتصادی کمر قدرتهای بزرگ را خم کرده است. در سطح منطقه حوادث و چرخشهای مهمی در رابطه مردم و دولتها در خاورمیانه اتفاق افتاده است. در جریان دو انقلاب "همه با هم" در تونس و مصر، دو دیکتاتور سرنگون شدند. هشت ماه است که سوریه و یمن شاهد تظاهرات خیابانی است. تاکنون هزاران نفر جان خود را از دست داده اند. و هنوز این رویدادها ادامه دارد. و بالاخره مهمتر از همه، سرنگونی قذافی بدست ائتلاف غرب و کشورهای عربی است که مشام اپوزیسیون پرو غرب و شخص شاهزاده را تحریک کرده است.

لیست زیر را در رابطه با جمهوری اسلامی باید به تحولات اخیر اضافه کرد تا تصویر کاملی از اوضاع داشته باشیم و خاصیت این نامه نوشتن ها و مواضع روشن شود: الف- عود کردن مجدد مسأله هسته ای جمهوری اسلامی و طرح دوباره آن در "شورای حکام" ب- طرح ترور سفیر عربستان در آمریکا پ- محکومیت جمهوری اسلامی در شورای حقوق بشر سازمان ملل ت- زمزمه حمله نظامی اسرائیل به مراکز هسته ای در ایران ث- افول قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی!

رضا پهلوی اخیرا و درست بعد از اتفاقات لیبی به ترافیک ناپذیر بودن

جمهوری اسلامی رسیده است. این در حالی است که دو سال پیش دنبال "دیالوگ واقعی" بود. ایشان در مصاحبه با بخش فارسی تلویزیون بی بی سی در فوریه ۲۰۰۹ اظهار داشت: "حاضر است که سر میز شام با خاتمی یا احمدی نژاد بنشیند منوط بر اینکه آنها "حق انتخاب" را برای شهروندان به رسمیت بشناسند. و در ادامه گفت: "ممکن است دریچه دیالوگ واقعی باز شود". بیش از دو سال از آن مصاحبه گذشت، و پروژه ایشان و کل اپوزیسیون به شکست انجامید. معلوم شد که اپوزیسیون داخل و خارج حکومت از تخصصات درونی رژیم چیز زیادی عایدش نشد. رضا پهلوی امروز به صراحت بیشتر به اصلاح ناپذیر بودن رژیم رسیده است! وی در گفتگوی ۱۵ اکتبر با دویچه وله گفت: "ما امروز به مرحله ای رسیده ایم که می دانیم از طریق اصلاح چنین نظامی هرگز به جایی نخواهیم رسید. تا زمانی که این نظام سر کار است، به هیچ وجه منالوجوهی ملت ایران به آزادیها، به رفاه اجتماعی، به بهبود اوضاع اقتصادی یا به هیچ خواست دیگرش نخواهد رسید. بنابراین تنها راه چاره گذر از این نظام است."

البته معلوم نیست با سر بلند کردن یک جنبش دیگر با رنگ دیگری از درون رژیم ایشان در کنارش قرار نگیرد.

هر چند رضا پهلوی در مصاحبه های مختلف تاکید میکند که مخالف "دخالتهای نظامی" غرب در ایران است، اما پیش نویس نامه اخیرش خلاف آنرا ثابت میکند. در بند هفت مینویسد: "بنابراین، بر اساس ماده دوم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ضمن اعلام شکایت از حکومت ایران، بدلیل نقض گسترده حقوق بشر و حقوق اساسی زندانیان سیاسی- عقیدتی، از شورای امنیت و ارگان های ذیربط سازمان ملل درخواست می شود تا به منظور آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی- عقیدتی، مدنی، و کلا و مدافعان حقوق بشر، اقدامات موثر و ضروری را با استفاده از اهرم های اجرایی بین المللی، علیه آقای سید علی خامنه ای، ولی مطلقه فقیه حاکم بر ایران، به عمل آورند."

در این نامه با ظرافت تمام در خواست "دخالتهای نظامی" به منظور از میان برداشتن بخشی از جمهوری اسلامی شده است. اینجا دیگر دم خروس و قسم حضرت عباس شاهزاده در مخالفتش با دخالت نظامی بیرون زده است. برای روشن شدن، لازم است در خواست وی برای "اقدامات موثر و ضروری" با استفاده از اهرمهای اجرایی بین المللی علیه آقای سید علی خامنه ای "را کمی بشکافیم تا از امکانات" شورای امنیت

علیه جمهوری اسلامی تصویر درستی داشته باشیم. شورای امنیت میتواند تحریم اقتصادی و در نهایت حمله نظامی را در دستور خود بگذارد. تحریم اقتصادی فی الحال در جریان است، و زمزمه تحریم "بانک مرکزی" آخرین مرحله از تحریمهاست که اقتصاد "بحران زده" ایران را با مشکلات جدی روبرو خواهد کرد. اما تحریم اقتصادی نشان داده است که تاثیر "موثر" مد نظر آقای پهلوی را نخواهد داشت و شخص "ولی فقیه" با تحریم کنار نخواهد رفت! تنها گزینه نظامی باقی مانده است. درخواست برای "استفاده از اهرمهای اجرایی بین المللی، علیه آقای سید علی خامنه ای، ولی مطلقه فقیه حاکم بر ایران" درست به این سناریو کمک میکند. گویا اگر ولی "مطلقه فقیه" به "مشروطه" تبدیل شود، مشکلات مردم حل خواهد شد! برجسته کردن خامنه ای در خاصیت دارد اولاً کل جمهوری اسلامی قرار نیست سرنگون شود، بلکه جناح "ناسازگار" آن باید کنار رود. دوماً تقلیل دادن مبارزه مردم و خواست سرنگونی مردم، به یک شخص است نه کلیت جمهوری اسلامی. یعنی سپاه پاسدارن، بسیج، ارتش، وزارت اطلاعات و حوزه های علمیه و دهها نهاد دیگر که نباید منحل شوند!

سرمایه گذاری روی نفرت مردم و کانالیزه کردن آن، هدف غرب و اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی است. این تکرار نسخه "شورای انتقالی لیبی" است. ظاهرا فردا قرار است رئیس "فقه قضاییه" در راس اپوزیسیون جمهوری اسلامی قرار گیرد!! چه کسی فکر میکرد رئیس دادگستری قذافی سوار انقلاب جوانان لیبی شود؟! در دنیای سیاست، اگر مقابل عوامفریبی را نگرفت، غیر ممکن وجود ندارد. همه میدانند که نسخه سوریه ای "شورای انتقالی"، به همت ترکیه و غرب سرهم بندی شده است.

آقای پهلوی، هر نیتی در این نامه

نگاری داشته باشد یک مسأله عیان است. و آن درخواست رسمی برای دخالت نظامی به منظور تغییر رژیم است. در حالیکه امروز بخصوص با توجه به تجربه عراق و لیبی و تجربه تخاصمات قبلی دول غربی و حکومت ایران، هر دخالت نظامی میتواند یا برعمر رژیم بیافزاید و یا جامعه را بسوی "سناریو سیاه" سوق دهد. هر تلاشی در این زمینه باید بی تردید تقبیح شود. همه اذعان دارند ایران لیبی نیست و تکرار آن سناریو یک به یک نخواهد بود! اما دامن زدن به این احتمال، خطرناک است. این توهم پراکنی و عقب راندن مبارزه مردم برای سرنگونی "کلیت" جمهوری اسلامی است.

طبقه کارگر در ایران با چشم باز این تحولات را تعقیب میکند. قاعدتا این تحولات باید طبقه ما را از عاجل بودن اوضاع آگاه کند. ما با دوره ای از تلاطمات سیاسی در ایران روبرو هستیم که طبقه کارگر باید متحد تر و متوقع تر از آن بیرون بیاید. هر تحرکی که در بالا صورت بگیرد، ضرب اول برای خانه نشینی و دور نگه داشتن طبقه کارگر از قدرت سیاسی است. از نظر ما کمونیستها تنها راه آسان و ممکن انقلاب کارگری است که کلیت نظام جمهوری اسلامی را جارو میکند!

که جمهوری اسلامی، دارودسته های مرتجع اسلامی، جریانات ورشکسته قومی و متکی به سیاست ضد مردمی که آمریکا و ناتو در منطقه و ایران و کردستان دنبال میکنند به گارد آزادی بپیوندند و برای خود سنگر دفاع آزادیخواهی ایجاد کنند. در هر جا که هستید در محل کار و زیست خود واحدهای گارد آزادی را تشکیل دهید.

زنده باد گارد آزادی!

زنده باد جوانان و آزادیخواهان کردستان!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

فرماندهی گارد آزادی در کردستان

سلام زیجی

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونست را بخوانید

کمونست را بدست کارگران برسانید

کمونست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی
کمونست

زنده باد سوسیالیسم